

## مقاله پژوهشی:

# بررسی الگوی اسلامی مشارکت مردمی در مدیریت جامع بحران از دیدگاه امام خمینی (ره)

[20.1001.1.74672588.1400.5.19.12.8](https://doi.org/10.1001.1.74672588.1400.5.19.12.8)

سید امیر سید جعفری<sup>۱</sup>؛ احمد بهشتی مهر<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۴

## چکیده

دولت‌ها از ظرفیت مردم برای کنترل بحران‌ها استفاده می‌کنند. اگر این استفاده از افراد متناسب با بافت اجتماعی و مذهبی آنها نباشد، استفاده از این منابع به حداقل می‌رسد. تا به امروز، جامعه ایرانی ما بحران‌های دشواری را پشت سر گذاشته است که در آن اعتقاد به تعالیم اسلامی به مردم کمک کرده است تا از مشکلات عبور کنند. سوال اصلی این پژوهش این است که مولفه‌های اسلامی مشارکت عمومی در جامعه ایران در حوزه مدیریت جامع بحران چیست؟ به این ترتیب این پژوهش، با بهره‌گیری از بیانات حضرت امام خمینی (ره) و استفاده از روش داده بنیاد و طی فرآیند کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی، در پی ارائه الگوی اسلامی مشارکت عمومی در شرایط بحرانی است. در نتیجه، دریافتیم که الگوی مدیریت اسلامی مشارکت عمومی شامل تمام راهبردهای مدیریت جامع بحران، کاهش، آمادگی، واکنش و جبران خسارات است. برای دستیابی به مشارکت مزبور، علاوه بر توده‌ها و نخبگان، دولت نیز وظایفی را برعهده دارد که باید انجام دهد. در راهبرد آمادگی، دولت باید داوطلبان مردم را آموزش و تجهیز کند و در راهبرد واکنش، باید با تعیین اولویت‌ها، روند مشارکت مردمی را تسریع کند. همچنین، دولت باید از مشارکت عمومی در راهبرد کاهش، در زمینه بهداشت روان آسیب دیدگان استفاده کند و در راهبرد جبران، روند جبران خسارت را کنترل کند و سازمان‌های دولتی را با مشارکت عمومی هماهنگ کند.

**کلید واژه‌ها:** مشارکت عمومی، آمادگی، واکنش، کاهش، جبران خسارات.

## مقدمه

۱. دانشجوی دکتری کلام اسلامی، دانشگاه قم، نویسنده مسئول، رایانامه: Amir.s.jafari@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه قم

الگوی امروزی و مدرن مدیریت بحران بر پایه‌های سنت و سرشت انسان‌ها استوار شده است. بر این اساس، مداخلت اقتضانات فرهنگی و ارزشی هر جامعه در علم مدیریت، تعیین‌کننده‌ی الگوی صائب مدیریتی در بافت و زمینه فرهنگی و اجتماعی آن جامعه است.

اگر ویژگی‌های فرهنگی انسان‌ها در مدیریت بحران جریان دارد، پس باید الگوی بومی آنرا که مطابق با شاخصه‌های اجتماعی هر فرهنگ خاص است ملحوظ داشت. این بدین معناست که با عنایت به مؤلفه‌های فرهنگی و سنتی خاص هر جامعه، می‌توان بهره‌وری آنرا در تقابل با بحران افزایش داد و از این ظرفیت در جهت بهبود مدیریت بحران استفاده کرد.

از این‌روی، ما در این پژوهش بنا داریم با تبیین نظر حضرت امام‌خمينی<sup>(ع)</sup>، الگویی از مدیریت بحران را ارائه کنیم که مطابق با آموزه‌های دینی و فرهنگ ایرانیان باشد. الگوی مزبور یک الگوی نظری و تحلیلی صرف و پیشنهادی نخواهد بود؛ بلکه الگویی برآمده از استقراء و بررسی مصادیق فجایع و سوانح بزرگ، نظیر جنگ تحمیلی است که ایرانیان با مدیریت و راهبری امام‌خمينی<sup>(ع)</sup> آن بحران‌ها را مهار کرده‌اند. بنابر آنچه بیان شد، سوال اصلی این پژوهش این است که بر اساس آموزه‌های اسلامی و ایرانی و بر اساس اندیشه‌ها و راهبری‌های امام‌خمينی<sup>(ع)</sup> در مدیریت بحران، چه الگویی می‌توان ارائه کرد؟

روش این پژوهش بر روش داده‌بنیاد و تحلیل محتوای کیفی بیانات امام‌خمينی<sup>(ع)</sup> استوار است. توضیح آنکه نظریه داده‌بنیاد در راستای توصیف امر واقع، شیوه‌هایی را برای نظریه‌پردازی در موضوعی خاص بر اساس استقراء پیش‌روی پژوهشگر قرار می‌دهد (نیومن، ۱۹۷۷: ۲۳۴) تا بدین‌وسیله به‌جای استنتاج از پیش فرض‌های قبلی، یا قالب‌های ذهنی معین، یا چارچوب‌های نظری موجود، نظریه‌ای را به‌طور مستقیم و بی‌واسطه از خود داده‌ها کشف کند (پاول، ۱۹۹۹: ۶۷)

در واقع، نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، یک نظام توصیفی و کیفی است که فرآیند، کنش‌ها و کنش‌های متقابل در موضوع خاص و واقعیت خرد را در سطح مفهومی کلی تشریح می‌کند و آنرا بسط می‌دهد. (کرسول، ۲۰۰۵: ۳۹۶) گفتنی است که این روش، علاوه بر اینکه در حوزه‌ی علوم

1. Neuman
2. Powel
3. Creswell

تجربی مورد استفاده است، در علوم انسانی به ویژه در مفاهیم مدیریتی از قابلیت استفاده‌ی بالایی برخوردار است (سوسا و هیدریکس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶: ۳۲۵).

## مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

### الف. ادبیات پژوهش

#### فاجعه

اینکه چه رویداد یا واقعه‌ای را در تراز فاجعه طبقه‌بندی کنیم، مستلزم تفکیک فاجعه از دیگر وقایع غیرعادی است. در تعریف فاجعه می‌توان آن را رویدادی غیرعادی نامید که در آن جامعه و ساختارهای آن از جهت اجتماعی دچار گسیختگی می‌شود و از حیث فیزیکی، آسیب‌های گسترده به آن وارد می‌گردد و زندگی اجتماعی بخشی از جامعه را به‌طور چشمگیر دچار اختلال می‌کند؛ چراکه نسبت خرابی‌ها به منابع محلی موجود به‌گونه‌ای است که غالباً به کمک‌های اضافی منابع خارج از جامعه آسیب دیده نیاز خواهد بود (دراک، ۱۳۸۲: ۲۶۸). بنابراین، برطرف کردن آن نیاز به اقدامات و عملیات اضطراری و فوق‌العاده دارد (حسینی، ۱۳۸۷: ۳۰).

پس، امور غیرعادی، گاه از حیث روند پیشروی، بزرگی اثر، وسعت و مدت زمان آن و مقتضیات رویارویی با آن، فراخ‌تر از دایره توانایی‌های جامعه آسیب‌دیده پدیدار می‌شود و به یاری و کمک‌رسانی نیروها و ظرفیت‌های خارج از جامعه‌ی آسیب‌دیده محتاج است (کانتن<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱: ۴۱).

#### سانحه

سانحه<sup>۳</sup> به‌عنوان عامل بحران و موجب گسیختگی جدی و ناگهانی در کارکرد یک جامعه است که نظام اجتماعی کنترلی بر آن ندارد (بارکان<sup>۴</sup>، ۱۹۷۴: ۵۱). سانحه به دو دسته طبیعی و انسانی تقسیم می‌شود. سوانح طبیعی<sup>۵</sup> عبارت است از: واقعه‌ای که به‌وسیله‌ی رخداد

1. Sousa & Headriks
2. Canton
3. Disaster
4. Barkun
5. Natural Disaster

طبیعی پدیدار شود. سوانح انسانی<sup>۱</sup> عبارت است از: اتفاق ناگهانی یا پیشرونده که به وسیله‌ی انسان به وجود آمده است (مور<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸: ۱۵).

### مدیریت جامع بحران

مدیریت جامع بحران<sup>۳</sup> عبارت از یک رویکرد یکپارچه برای حسن انجام اقدامات و برنامه‌های مورد نیاز در صورت وقوع شرایط اضطراری است. در این سیستم کلیه اجزاء با یکدیگر پیوند دوگانه دارند؛ به عبارت دیگر، مدیریت جامع بحران، عناصر و اجزای مختلف نظام مدیریت بحران را به یکدیگر مرتبط و از آن چارچوبی منسجم و منحصر به فرد می‌سازد (دراک، ۱۳۸۲: ۴).

### راهبردهای مدیریت جامع بحران

مدیریت جامع بحران در مشخص کردن و تفکیک چهار راهبرد مرتبط به هم برای کاهش اثر خسارات، واکنش، جبران خسارات و آمادگی، که با یکدیگر واکنش اجتماعی در برابر بحران را معین می‌کنند، شناسایی می‌شود (کانتن، ۲۰۰۱: ۱۶۱). که به تعریف اجمالی هر کدام می‌پردازیم.

الف) کاهش اثرات<sup>۴</sup>: عبارت است از کوشش‌هایی برای زدودن و یا تقلیل اثرات ناشی از سوانح؛

ب) آمادگی<sup>۵</sup>: عبارت است از کوشش‌هایی برای رشد ظرفیت واکنش در برابر سوانح؛

ج) واکنش<sup>۶</sup>: عبارت است از فعالیت‌هایی برای سروکار داشتن با اثرات ناشی از سوانح؛

د) جبران خسارات<sup>۷</sup>: عبارت است از فعالیت‌هایی برای به حالت اول و عادی برگرداندن

جامعه (کانتن، ۲۰۰۱: ۱۵۸).

### مدیریت دینی بحران

1. Human-made
2. Moore
3. Comprehensive Emergency Managment
4. Mitigation
5. Prepared ness
6. Response
7. Recovery

دین به‌عنوان یک عامل فرهنگ‌ساز در ساختار اعتقادی جامعه نقش به‌سزایی دارد. بنابراین، با توجه به اینکه جامعه با مدیریت بحران نسبت تعاملی و پویایی دارد، دین نیز از این تعامل خارج نیست به‌خصوص در جامعه‌ای نظیر ایران که از سنت دینی بهره‌مند است؛ این عامل بسیار تاثیرگذار است. اما این نکته را نباید از نظر مغفول داشت که دین به‌طور علی‌حده با مدیریت بحران نسبت خاص دارد. به‌عبارت‌دیگر، جدای از در نظر گرفتن دین به‌عنوان عامل تاثیرگذار بر فرهنگ جامعه و نسبت با واسطه آن با مدیریت بحران، خود دین با مدیریت بحران نسبت بدون واسطه برقرار می‌کند. این نسبت در مباحث فلسفه دین ذیل مقوله نسبت دین با علم مدرن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در واقع، دین با علوم جدید و مدرن یا اساساً نسبتی ندارد و یا اگر نسبتی در کار باشد این نسبت یا تعاملی است و یا تنافری؛ امام خمینی (ع) با عنایت و التفات به علوم اسلامی و سنت برآمده از آن و اجتهاد در منابع اسلامی طریقه تعاملی را در رویارویی دین اسلام با علوم مدرن برگزیدند.

ایشان با کامل و تمام دانستن دین اسلام، آن را نسبت به دیگر ادیان از کارایی کامل برخوردار می‌دانستند و با بیان اینکه اسلام هم به معنویت توجه دارد و هم به مادیت، طریق برتر را این دین، معرفی می‌کنند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۴: ۷) و به این شیوه توجه اسلام را به عالم طبیعت آشکار می‌کنند (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۸۴).

نکته‌ی مهم این است که علاوه بر اعتقاد به ثنویت معنویت و ماده در علوم انسانی، در نزد ایشان عالم معنویت حائز اولویت است؛ بر این اساس از علوم طبیعی و علوم مادی باید بهره‌گیری معنوی کرد (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۸: ۴۳۳).

اهمیت این نکته در این است که ایشان نه تنها نسبت میان دین اسلام و علوم طبیعی و مادی را تعاملی می‌دانند، بلکه بر این امر اصرار می‌ورزند که با حفظ ماهیت معنوی و مادی هر کدام باید علوم طبیعی را مقهور و مغلوب معنویت کرد و آن را برای ارتقای معنوی انسان به کار گرفت. ایشان در مواجهه با دنیای مدرن صنعتی نیز همین طریقه را پیش می‌گیرند و بیان می‌دارند که روحانیون پشتیبان زراعت با اصول جدید و پیشرفت صنعت و بهداشت

هستند (امام‌خمینی، ج: ۱: ۱۲۲) و در این رابطه می‌فرمایند: علم و صنعت مورد تاکید اسلام و قرآن است (امام‌خمینی، ج: ۱: ۴۰).

دانشمندان غربی نیز از ظرفیت‌های دینی و فرهنگی در ارتقای سطح مدیریت جامعه بهره می‌برند. نظیر اینکه از داستان کشتی نوح<sup>۱</sup> در پژوهش‌های مدیریت بحران استفاده می‌کنند و لقب مدیر بحران اصیل<sup>۲</sup> را بدینوسیله به وی می‌دهند (کاتن<sup>۳</sup>: ۲۰۰۱: ۵).

### مشارکت مردمی

تحلیل و تعریف مصطلح مشارکت مردمی، در گرو بیان چندی از اصطلاحات جامعه‌شناختی است. مشارکت مردمی یا مشارکت اجتماعی، بهره‌وری از سرمایه اجتماعی است؛ سرمایه اجتماعی، با فراهم آمدن شاخص‌هایی نظیر اعتماد و پیوند میان افراد و همچنین، تقویت ارتباط میان افراد یک جامعه و حاکمیت، بر اساس تعاملات و هنجارهای مشترک گروهی و اجتماعی پدید می‌آید (موسوی، ۱۳۸۵: ۸۹).

سرمایه اجتماعی را بر اساس کارکرد آن، می‌توان به تسهیل‌کنش‌گری‌های هم‌آهنگ در راستای فزونی بهره‌وری جامعه بیان کرد (پاتنم<sup>۴</sup>: ۱۶۹۳: ۱۶۹). دو ویژگی در تعریف مزبور، بر اساس کارکرد ملحوظ می‌باشد: الف- دارا بودن جنبه‌ای از ساختار اجتماعی؛ ب- تسریع کنش‌های فردی در قالب ساختار اجتماعی (کلمن<sup>۵</sup>: ۱۹۹۴: ۳۰۲).

در واقع، سرمایه اجتماعی از سه مولفه تشکیل شده است: الف) وجود ظرفیت‌های نهفته در ساختار اجتماعی؛ ب) قابلیت بالفعل کردن و در دسترس بودن ظرفیت‌های مزبور؛ ج) کاربست آن در کنش‌های هم‌آهنگ و هدفمند (لین<sup>۶</sup>: ۱۹۹۹: ۷). در نتیجه، مجموع ظرفیت‌ها - اعم از مادی و معنوی - که در دسترس و قابل بهره‌وری از سوی فرد یا گروهی در یک ساختار اجتماعی و شبکه در هم تنیده با روابط نهادینه شده - بر اساس هنجارهای مشترک -

1. Noah's Ark
2. The Original Emergency Manager
3. Canton
4. Putnam
5. Coleman
6. Lin

با پیوندهای دو سویه بر اساس احترام متقابل، گوهر سرمایه اجتماعی است (بوردیو<sup>۱</sup> و واکنت<sup>۲</sup>، ۱۹۹۲: ۱۱۹).

مشارکت اجتماعی، عبارت است از آن دسته فعالیت‌های ارادی و داوطلبانه که از طریق آنها اعضای یک جامعه، در امور محله، شهر و روستا شرکت کرده و به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در شکل دادن به حیات اجتماعی مشارکت دارند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۹۲).

### پیشینه پژوهش

پژوهش حاضر، به منظور یافتن و ارائه الگوی ایرانی-اسلامی مشارکت مردمی در راهبردهای چهارگانه مدیریت جامع بحران از بیانات حضرت امام خمینی (ع) با روش داده بنیاد است. بنابراین، با معلومات مذکور، پیشینه‌ای در منابع معتبر نظیر *ایراندک* یافت نشد. لکن برخی از پژوهش‌هایی که در موضوع و یا مسائل دارای قرابت و مشابهت هستند، عبارتند از: الف- مدیریت بحران در قرآن کریم با رویکرد بحران‌های روحی و معنوی، دانشگاه معارف قرآنی اصفهان؛ ب- مدیریت بحران‌های سیاسی در جامعه اسلامی پس از رسول خدا تا سال ۴۵ هجری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان؛

### روش‌شناسی پژوهش

روشی که ما را در وصول به غایت این پژوهش یاری می‌رساند، روش تحلیل محتوا بر اساس نظریه داده‌بنیاد است. نظریه داده‌بنیاد دارای ویژگی‌هایی است که ما را قادر می‌سازد تا نظریه‌ای بر مبنای داده‌های واقعی بنا کنیم (گلیسر و استراوس<sup>۳</sup>، ۱۹۶۷: ۱۳).

الگویی که ما در این پژوهش از نظریه داده‌بنیاد بهره گرفته‌ایم، شامل مراحل کدگذاری باز، محوری و انتخابی است. در کدگذاری باز، به نمونه‌گیری و تحلیل داده‌ها و شناسه‌گذاری و در نهایت، استخراج مفاهیم پرداخته‌ایم. در مرحله کدگذاری محوری، سعی

1. Bourdieu
2. Wacquant
3. Glaser & Strauss

نموده‌ایم تا پارادایم حاکم در بین مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها و پیوندهای آنها را بیان کنیم تا قضایایی برای مرحله کدگذاری انتخابی ارائه نماییم. در نتیجه، بر آن شدیم تا در پایان پژوهش تمام فرضیه‌ها و یا قضایا را در یک قالب و آرایش نظری بزرگتر به‌طور یکپارچه ارائه کنیم. چرا که کدگذاری انتخابی، فرآیند یکپارچه سازی و تسهیل ارائه تبیین مقوله‌های کشف شده است (لی، ۲۰۰۱: ۵۰).

برای تدوین تئوری مزبور در این پژوهش، پنج مرحله تحلیلی (و نه الزاما متوالی) لحاظ شده است که عبارتند از: ۱) تدوین طرح تحقیق و انتخاب نمونه (۲) گردآوری داده‌ها (۳) تنظیم داده‌ها (۴) تحلیل داده‌ها (۵) مقایسه با متون؛

همچنین، در این پژوهش، برای گریز از سقوط در ورطه‌ی عدم پایایی، تمامی داده‌های مورد اسناد پژوهش از رویدادهای حقیقی استقراء شده‌اند. بر این اساس، دست‌آورد پژوهش از قابلیت تکرارپذیری در شرایط مشابه برخوردار است.

برای روایی درونی این پژوهش، با عنایت به اینکه موضوع پژوهش با رویکرد میان‌رشته‌ای طرح‌ریزی شده است، بر آن شدیم تا از نظرات صاحب‌نظران در حوزه علوم اجتماعی، علوم دینی و به ویژه متخصصان مدیریت بحران بهره ببریم.

همچنین در همین راستا، از مکتوبات و تالیفات متخصصان مدیریت بحران در قالب ارجاعات متعدد استفاده کرده‌ایم تا از این رهگذر، علاوه بر تقویت روایی درونی محتوای پژوهش، به ارتقای حساسیت نظری پژوهش کمک کنیم. به عبارت دیگر، استفاده از متون تخصصی در این پژوهش دو هدف را برآورده کرده است. نخست، حساسیت نظری پژوهشگر را در استقرای داده‌ها، مفهوم‌پردازی‌ها، مقوله‌پردازی‌ها و بُعد‌پردازی‌ها و تطبیق آن با بیانات امام‌خمينی<sup>(ره)</sup> در مواجهه با بحران‌ها- تقویت کرده است.

دوم، آنکه این ارجاعات به متون تخصصی، موجبات غنای روایی درونی و مقبولیت یافته‌های پژوهش را فراهم آورده است.



## یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

### الف: یافته‌های تحقیق

با بررسی واژگان کلیدی مرتبط با موضوع پژوهش در مکتوبات و بیانات امام خمینی<sup>(ره)</sup> و استخراج گزاره‌ها، اقدام به تحلیل کیفی محتوای متون شد. در تحلیل داده‌ها، متناسب با راهبردهای چهارگانه مدیریت جامع بحران - که عبارتند از: آمادگی، واکنش، کاهش و جبران خسارات، داده‌ها را در چهار جدول مجزا در قالب کدگذاری باز و تحلیل پارادایمی مقوله‌ی محوری، ارائه شد. در نهایت با یکپارچه‌سازی نتایج جداول داده بنیاد، مرحله کدگذاری انتخابی و سپس، ترسیم الگوی مفهومی، الگوی پژوهش، پیشنهاد شد.

### ب: تجزیه و تحلیل یافته‌ها

#### راهبرد آمادگی و مشارکت عمومی

حضرت امام<sup>(ره)</sup> تمام مراحل سیاسی و اقتصادی ایران را با مشارکت مردمی به سرمنزل مقصود می‌رساندند. این از آن جهت بود که ایشان بر ظرفیت‌ها و ویژگی‌های جامعه ایرانی از جهات گوناگون، اشراف داشتند و این مهم از نظرگاه جامعه‌شناختی دارای اهمیت است (برایتون، ۱۹۸۷: ۳۲).

ایشان از ابتدای انقلاب مردم را برای قیام، دعوت به آمادگی می‌کردند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۳: ۴۳۶). در این رابطه از علما به‌عنوان نخبگان دینی می‌خواهند تا مردم را برای بحران‌های سیاسی آتی آماده کنند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۲۳۸). در اوایل انقلاب اسلامی نیز در گیرودار انتقال قدرت، ایشان همواره مردم را به صحنه می‌کشاندند و در این راستا، مردم را برای خشی کردن توطئه‌ها و آمادگی مواجهه با آنها برحذر می‌داشتند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۵: ۶۵). این مهم همواره سیره‌ی عملی امام بود که در برابر خراب‌کاری‌ها و اغتشاشات داخلی نظیر کودتای نوژه آمادگی مردم را خواستار بودند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۳: ۱۷).

در زمان دفاع مقدس نیز آمادگی برای دفاع را به مردم توصیه می‌کردند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۶: ۱۲۲) و آمادگی همیشگی برای دفاع را دستور شرع مقدس می‌دانستند (امام خمینی، ۱۳۹۴: ۵۰). در این رابطه

بیان می‌دارند: «امروز پر کردن جبهه‌های نبرد از نیروهای آموزش دیده و آمادگی دفاع از اسلام و ایران برای همه قشرها از اهمّ واجبات الهی است که هیچ چیز دیگر مانع از انجام آن نمی‌شود» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۰: ۳۳). ایشان برای اقدام در زمینه راهبرد آمادگی با عنایت به اینکه هر سطحی از جامعه دارای سنت و رسوم خاص خویش است از ظرفیت‌های خاص همان جامعه استفاده می‌کردند؛ نظیر دعوت علمای اهل سنت به آمادگی مردم برای جنگ تحمیلی (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۳: ۲۴۳).

حضرت امام (ره) گاه با اعلام آماده‌باش مسلحانه مردم برای بسیج عمومی (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۳: ۲۷۲)؛ در قالب تاکتیک عملیاتی و گاه با اعلام آمادگی دفاعی کلی (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۳: ۲۱۱)؛ در قالب راهبرد و ارتش بیست میلیونی با ایمان (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۲: ۲۴۳)؛ مردم را برای مقابله و مواجهه با بحران‌های سیاسی آماده می‌کردند.

همچنین از حضور زنان و آمادگی ایشان در اموری که توان کم‌رسانی را دارند، استقبال می‌کردند: «شما خانم‌ها، شما زن‌ها توجه به این معنا داشته باشید که همان‌طوری که بر مردها در جبهه لازم است که جلو بروند و پیشقدم باشند، شما هم در خارج، در پشت جبهه باید کمک کنید و مهیا بشوید که چنانچه - خدای نخواست - یک وقت دفاع عمومی واجب شد بر همه؛ یعنی، همه ما بی‌استثنا، هر کس قدرت دارد بی‌استثنا، دفاع بر او واجب شد، مهیا باشید از برای دفاع» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۰: ۹).

بر این اساس، آموزش نظامی و دفاعی برای بانوان را موجه برمی‌شمردند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱: ۳۹۷). با اذعان به اینکه ملت ما برای همه چیز آماده است (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۶: ۲۶۸)؛ آمادگی رزمی اکثریت مردم را مطالبه می‌کردند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱: ۱۹۵). از این روی تجهیز نیروهای داوطلب در هنگامه‌ی نیاز را از جمله‌ی آمادگی‌های نظامی می‌دانستند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۳: ۲۷۲). این نگاه در مدیریت بحران بسیار قابل توجه و مهم است؛ چرا که آماده نگه داشتن مردم علاوه بر ظرفیت‌های کم‌رسانی، موجبات غافل‌گیری را از مردم دور می‌کند (دراک، ۱۳۸۲: ۴۸).

جدول شماره ۱: کدگذاری باز مقوله آمادگی و مشارکت عمومی

کد	داده‌ها	مفاهیم	مقوله	ویژگی‌ها	ابعاد
R1	(ولا: ۵۰)	حیث شرعی	آمادگی و مشارکت مردمی	نقش فردی	اولویت اصلی
R2	(صح، ج: ۲۰: ۳۳)	وجوب شرع			
R3	(صح، ج: ۱: ۲۳۸)	دعوت علما		نقش نخبگانی	اولویت فرعی
R4	(صح، ج: ۱۳: ۲۴۳)	نخبگان بومی			
R5	(صح، ج: ۵: ۴۶۵)	آمادگی مردم		نقش اجتماعی مردم	اولویت فرعی
R6	(صح، ج: ۶: ۱۲۲)	آمادگی عام			
R7	(صح، ج: ۱۲: ۲۴۳)	بسیج مردم			
R8	(صح، ج: ۲۱: ۳۹۷)	آموزش بانوان		نقش حاکمیت	اولویت فرعی
R9	(صح، ج: ۱۳: ۲۷۲)	تجهیز داوطلبان			

بررسی پارادایمی مقوله‌ی محوری آمادگی و مشارکت مردمی

در پیوند میان مقولات، آنچه به عنوان علل بیان می‌شود، عبارت است از: الف) پرهیز از غافل‌گیری جامعه در هنگام بحران‌ها؛ ب) شناسایی ظرفیت‌ها و ظرفیت‌های جامعه در مواجهه با بحران‌ها؛ ج) استقرار و استمرار انسجام و هماهنگی جامعه قبل و بعد از بحران؛ قضایای بیانگر شرایط زمینه‌ای خاص جامعه‌ی ایرانی عبارتند از: الف) آماده‌سازی روحی و معنوی جامعه متدین ایرانی؛ ب) آماده‌سازی مردم برای ایفای نقش خود در مواجهه با بحران در تمام مراحل مدیریت بحران با اولویت نقش‌های فردی؛ ج) آماده‌سازی اکثریت آحاد جامعه برای مواجهه با بحران‌ها در نظام جمهوری اسلامی ایران؛

فرضیه‌های بیانگر شرایط میانجی با تاثیر منفی عبارتند از: الف) عدم رعایت شئون سنتی و فرهنگی خاص هریک از اقشار و اقوام جامعه با اولویت نخبگانی؛ ب) عدم بهره‌وری و تجهیز حاکمیت از حداکثر توان اجتماعی مردم به ویژه زنان؛

قضایایی که به عنوان راهبردها یافت شده‌اند، عبارتند از: الف) شناسایی و تجهیز ظرفیت‌های جامعه از سوی حاکمیت؛ ب) ایفای نقش نخبگان بومی و محلی؛ ج) توجه و خاطرنشان کردن مردم به نقش خود در آمادگی در برابر بحران‌ها از حیث انجام تکالیف

شرعی؛

پیامدهای راهبردهای مذکور، عبارتند از: الف) عدم واماندگی و سستی آحاد مردم و تمام اقشار و طبقات جامعه در هنگام وقوع بحران‌ها؛ ب) زمینه‌سازی برای طرح‌ریزی و اجرای مدیریت یکپارچه در مهار بحران‌ها؛ ج) زمینه‌سازی برای واکنش به هنگام، سریع و نظام‌مند جامعه در مواجهه با بحران.

### راهبرد واکنش و مشارکت مردمی

فوریت و تسریع امور در راهبرد واکنش بسیار با اهمیت است. این مرحله شامل اقداماتی است که پیش از وقوع، حین یا بلافاصله پس از وقوع بحران به منظور نجات جان مردم و به حداقل رساندن خسارت‌های وارده به اموال آنها و افزایش اثربخشی عملیات بازسازی انجام می‌شود (حسینی، ۱۳۸۷: ۳۷).

این واضح است که حادثه مقتضی اقدام آنی و فوری است و منظور از اقدام آنی، مجموعه وظایفی است که برای مقابله با سوانح در صحنه حادثه به هنگام بروز آن لازم و ضروری است (درایک، ۱۳۸۲: ۶۴). پس، مدیریت بحران نمی‌تواند از پیشنهاد مشارکت و دخالت بلاواسطه داوطلبان و امداد رسانی آنان چشم‌پوشی کند.

این خود - اعزامی داوطلبان همراه با ظرفیت‌ها و تاثیرات مثبت است؛ اما همان‌طور که گفته شد، اغلب اوقات چنین نیست. آنان با پیامدهای غیرمنتظره که تاثیرات منفی برجای می‌گذارد، روبه‌رو می‌شوند. بنابراین در جایی که داوطلبان مضطرب احوالند، ناآمادگی ایشان برای مدیریت شکل‌های مختلف خود-اعزامی، از آن حیث که نظم و نظامی برای یکپارچه‌سازی آنان در سراسر مراحل وجود ندارد، می‌تواند خسارت‌آور باشد (فاگل<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴: ۱۸۱).

حضرت امام (ره) با عنایت به اینکه صحنه سانحه نیازمند اقدام آنی و فوری است، هم از لحاظ راهبردی و هم از لحاظ تاکتیکی و همچنین مدیریت لجیستیک بر اساس مبانی اسلامی بیاناتی را اظهار می‌دارند، از آن جمله، مسئله فوریت و اولویت‌بندی امور مرتبط با بحران است. کما اینکه گاه در بحران سیاسی نظیر جنگ، با اولویت‌سنجی، آن‌را در رأس

امور برمی‌شمردند و گاه در بحران‌های طبیعی نظیر زلزله، رسیدگی به آن‌را دارای اولویت و فوریت می‌دانستند (امام‌خمینی، ۱۳۷۹، ج ۷: ۲۳۵).

ایشان با رویکرد تاکتیکی، هرآنچه از منابع و کمک‌های همگانی و یا حتی وجوه شرعی را که در دسترس داشتند، بدون فوت وقت، در جامعه حادثه‌دیده متمرکز می‌کردند و چنین بیان می‌داشتند: «تا کنون اخبار تأثرانگیز و وحشتناکی از فاجعه زلزله خراسان و خسارات جانی و مالی بسیاری که به برادران و خواهرانمان وارد شده است واصل شده. با عرض تسلیت به ملت عزیز- خصوصاً بازماندگان این فاجعه- از عموم ملت شریف تقاضا می‌کنم که بدون فوت وقت به کمک برادران و خواهران خود بشتابند و با هر وسیله ممکن آنان را نجات دهند. این فاجعه احتیاج به کمک همگانی دارد» (امام‌خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۱: ۴۶).

حضرت امام (ع) همچنین بر سرعت عمل سازمان‌های مربوطه، همگام با حفظ هماهنگی و نظم تاکید می‌کردند (امام‌خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۱: ۴۷).

ایشان با به‌کارگیری راهبرد واکنش در عرصه بین‌الملل در جنگ سوم عرب با اسرائیل، به کمک‌های معنوی و کمک‌های مادی نظیر ارسال خون، دارو، اسلحه و آذوقه به ویژه از سوی ایرانیان تاکید داشتند (امام‌خمینی، ۱۳۷۹، ج ۳: ۲).

امام (ع) در تمام بحران‌ها از مسئله‌ی مشارکت مردمی به‌هنگام استفاده می‌کردند. به‌عنوان نمونه در مسئله بلایای طبیعی، همکاری خود مردم مصیبت‌دیده را در مدیریت بحران طلب می‌کردند (امام‌خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۴: ۴۲۴).

همچنین، در بحران‌های سیاسی داخلی، واکنش محلی مردم را مورد تاکید قرار می‌دادند. نظیر اینکه در قضیه اغتشاشات کردستان، حضرت امام (ع) فرمودند: «خود کردها باید کردستان را تصفیه کنند و به غیر از سران اغتشاش‌گر، دیگران برادران ما هستند. حتی آنها که در حزب دموکرات‌اند» (امام‌خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۰: ۲۹۷). البته گاه با هوشمندی تمام در مواقع حساس که ابعاد نظامی قضیه اوج می‌گرفت، چنین می‌فرمودند که صلاح نیست خود ملت در مقابل کردها قرار گیرند؛ بلکه ارتش کار را انجام می‌دهد (امام‌خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۰: ۱۹۹).

ایشان کمک‌های مردمی را در جنگ تحمیلی ضامن استمرار امر دفاع می‌دانستند و آن‌را در پشتیبانی از جنگ مهم ارزیابی می‌کردند (امام‌خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۳: ۳۵۰) و اذعان می‌داشتند

دولت به تنهایی قادر به اداره جنگ نیست (امام‌خمنی، ۱۳۷۹، ج ۱۵: ۱۰۱). بر این اساس می‌فرمایند: «ایران و تمام مردم مسلمان با ارتش دوست‌اند و پشتیبان‌اند، چنانچه می‌بینید که شما دارید آنجا جنگ می‌کنید، مردم هم دارند پشت سر شما همه کمک‌ها را فراهم می‌کنند، بدون اینکه کسی الزامشان بکند» (امام‌خمنی، ۱۳۷۹، ج ۱۴: ۴۴۳).

ایشان علاوه بر کمک‌های مادی، حضور خود مردم را در قالب نیروهای داوطلب، ضامن بقای کارکرد صحیح دفاع در جنگ برمی‌شمردند (امام‌خمنی، ۱۳۷۹، ج ۱۸: ۷۹) و برای سازماندهی و مدیریت نیروهای داوطلب و مشارکت عمومی، ساختارهایی نظیر بسیج مستضعفین را طراحی کردند و آن را یک پدیده مردمی بانگیزه، توصیف می‌کردند (امام‌خمنی، ۱۳۷۹، ج ۱۷: ۲۳).

حضرت امام (ره)<sup>۲۵</sup> با در نظر گرفتن اینکه سازماندهی نیروی مردمی در قالب بسیج غیر از مشارکت داوطلبان، نیاز به بودجه و منابع مالی دارد، این منابع را این‌گونه اظهار کردند که بسیج عمومی با سازماندهی خود ملّت مجهّز می‌شود (امام‌خمنی، ۱۳۷۹، ج ۱۳: ۲۱۱).

این نیروهای داوطلب که سعی بر آن بود تا به وسیله خود ملّت تجهیز شود، گاه در راهبرد واکنش به خصوص در عرصه جنگ تحمیلی به خدمت گرفته می‌شدند. بنابراین، با توجه به نیاز توده مردم داوطلب به آموزش‌های جنگی و نظامی و از طرفی نیاز جبهه‌های جنگ به نیروی انسانی، تاکید بر فوریت و سرعت در تجهیز داوطلبان داشتند (امام‌خمنی، ۱۳۷۹، ج ۱۷: ۲۷۲). حتی با استفاده از ظرفیت بانوان و خواهران در قالب امدادگری، البته با حفظ شئون اسلامی و حجاب واجب، خلأ نیروهای امدادی را در جبهه‌ها بدین ترتیب جبران می‌کردند (خمنی، ۱۳۹۲، ج ۳: ۳۴۴).

حضرت امام (ره)<sup>۲۶</sup> گاه برای پشتیبانی مالی از جبهه‌های جنگ، از مردم اعانه و کمک‌های مالی می‌طلبیدند تا بنابر فوریت، این کمبودها در جنگ تحمیلی تأثیرات منفی برجای نگذارد. ایشان برای پشتیبانی مالی از هزینه‌های جنگ تحمیلی بر این اعتقاد بودند که می‌بایست کمک‌های مردمی جایگزین استخراج بیش از حد نفت گردد (خمنی، ۱۳۷۹، ج ۱۷: ۲۷۸) و یا در مسئله جمع‌آوری کمک‌های مالی مردمی با رعایت اصل عدالت اجتماعی بیان می‌فرمودند: «قشر ثروتمند و طبقه متوسط جامعه که درآمد مازاد بر مخارج عائله خویش دارند، قابلیت

کمک به جبهه‌ها را دارند، لکن مستضعفین که درآمدشان به اندازه معاش خودشان است، از ایشان چیزی متوقع نیست» (امام‌خمينی، ۱۳۷۹، ج ۱۷: ۳۲۱).

جدول شماره ۲: کدگذاری باز مقوله واکنش و مشارکت مردمی

کد	داده‌ها	مفاهيم	مقوله	ویژگی‌ها	ابعاد
S1	(صح، ج ۱۴: ۴۲۴)	مشارکت آسیب‌دیدگان	واکنش و مشارکت مردمی	نقش فردی	اولویت فرعی
S2	(صح، ج ۱۸: ۷۹)	حضور نیروی داوطلب		نقش اجتماعی	اولویت اصلی
S3	(صح، ج ۱۱: ۴۶)	فوریت کمک‌رسانی		نقش اجتماعی	اولویت اصلی
S4	(صح، ج ۳: ۲)	کمک‌رسانی بین‌المللی		نقش اجتماعی	اولویت اصلی
S5	(صح، ج ۱۷: ۲۷۸)	فوریت کمک‌مالي		نقش اجتماعی	اولویت اصلی
S6	(صح، ج ۷: ۲۳۵)	اولویت‌بندی		نقش اجتماعی	اولویت اصلی
S7	(صح، ج ۱: ۴۷)	سرعت با نظم		نقش اجتماعی	اولویت اصلی
S8	(اس، ج ۳: ۳۴۴)	امداد بانوان		نقش اجتماعی	اولویت اصلی

بررسی پارادایمی مقوله‌ی محوری واکنش و مشارکت مردمی

در میان مقوله‌ها، آنچه به عنوان علل قضایا مطرح است، عبارت است از: الف) پرهیز از بی‌نظمی در واکنش به مخاطرات و بحران‌ها؛ ب) ضرورت تسریع و فوریت در مهار بحران‌ها؛ قضایای بیانگر شرایط زمینه‌ای خاص ایران اسلامی عبارتند از: الف) تمرکز منابع امدادی و کمک‌رسانی به مردم حادثه‌دیده و مشارکت خود باقی ماندگان حادثه در واکنش به هنگام. ب) تسریع واکنش همگانی همگام با نظم و هماهنگی در مهار اولیه بحران؛ ج) جمع‌آوری فوری اعانات مردمی با رویکرد عدالت اجتماعی؛ فرضیه‌های شرایط میانجی با تاثیر منفی عبارتند از: الف) غفلت از ظرفیت‌های مشارکت عمومی، به‌خصوص زنان؛ ب) غفلت از ظرفیت‌های فرهنگی و دینی در واکنش به هنگام؛ ج) غفلت از امدادرسانی‌های فراملی و فرامذهبی؛ د) غفلت از کمک‌های مردمی در تأمین بودجه‌های مالی مرتبط با راهبرد واکنش؛ ه) عدم عنایت به مدیریت کلان و جامع‌نگر به امورات جامعه؛ قضایای بیانگر راهبردها عبارتند از: الف) اولویت‌بندی و رتبه‌بندی امور مرتبط با بحران به جهت فوریت در واکنش؛ ب) بهره‌مندی از منابع کمک‌های همگانی بر اساس فوریت،

به منظور حفظ ثبات مالی حاکمیتی در توزیع کلان بودجه‌ها؛ ج) سرعت در اقدام و عمل سازمان‌های ذیربط با مدیریت بحران همگام با هماهنگی و نظم؛ ه) تشخیص به هنگام و مدیریت مشارکت مردم داوطلب در صحنه‌ی واکنش اولیه؛ پیامدهای راهبردهای مزبور، عبارتند از: الف) کمک‌های مردمی ضامن استمرار و پشتیبانی مدیریت یکپارچه بحران‌ها به ویژه در واکنش‌ها؛ ب) حضور به هنگام و مدیریت شده‌ی داوطلبان در صحنه واکنش، ضامن کارکرد صحیح مدیریت بحران.

### راهبرد کاهش و آموزش‌های دینی برای جلب مشارکت مردمی

یکی از اقداماتی که در راهبرد کاهش اثرات صورت می‌پذیرد، طرح‌هایی برای آگاهی‌بخشی و آموزش همگانی است. آموزش‌های همگانی باید بر مبنای بافت اجتماعی خاص جامعه و بر اساس فرهنگ غالب و تدوین فراگیر باشد. فرهنگ، دین و سنت هر کدام در آموزش همگانی و تغییر دیدگاه مردمان نقش به‌سزایی دارند.

حضرت امام <sup>(ع)</sup> در زمینه آموزش‌های همگانی و ترویج شعائر اسلامی هردو طیف آسیب‌دیده و کم‌کمرسان را در نظر می‌داشتند. ایشان بنابر آموزه صبر و تاب‌آوری سعی بر آن داشتند تا زوایای دیگر حوادث و سوانح را در نظرگاه آسیب‌دیدگان آشکار کنند. از این روی، با طلب صبر و شکیبایی از آسیب‌دیدگان نظیر آوارگان جنگی (امام‌خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۵: ۲۴۲) و زلزله‌زدگان، این حوادث تلخ را زمینه‌ی آزمایش الهی برمی‌شمردند (امام‌خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۴: ۴۲۲).

از سویی دیگر، مسئله مشارکت عمومی و کم‌کمرسانی را نیز طرف دیگر ابتلاء و آزمایش الهی می‌دانستند. در این راستا می‌فرمایند: «با آنکه می‌دانم با احساس مسئولیت و حس تعاونی که در همه قشرهای محترم است، برای نجات برادران و خواهران خود در این فصل سرما به مناطق زلزله‌زده خواهید رفت و با توان خود به مسلمانان و اطفال ناتوان کمک خواهید کرد ... بدانید که این حوادث دردناک جنبه آزمایش و امتحان نیز دارد» (امام‌خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱: ۱۱: ۱۴۰).



حضرت امام (ره) بر مشارکت مردمی در بهداشت روحی و روانی آسیب‌دیدگان عنایت داشتند. به عنوان نمونه، در مسئله آوارگان جنگ تحمیلی خطاب به مردم سایر مناطق سفارش فرمودند که نگذارید به جنگ‌زدگان، بد بگذرد (امام‌خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۴: ۳۲۴) و نگذارید آوارگان تلخی آوارگی را احساس کنند (امام‌خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۴: ۲۲۰). ایشان همچنین با تقویت جنبه‌های انسانی و معنویت‌افزا با بیان اینکه از خود بکاهیم برای مجروحان و آوارگان (امام‌خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۶: ۱۱۲). مسئله مشارکت مردمی در تقویت روانی آسیب‌دیدگان را بیش از پیش تاکید می‌کردند و در همین رابطه اظهار می‌داشتند: «امسال - ایام نوروز - به جای اینکه برای فرزندان خودتان چیزهایی غیرضروری تهیه کنید، به جای این، برای این معلولینی که در بیمارستان‌ها الآن هستند و برای آوارگانی که در سرتاسر کشور جا و منزل ندارند و محتاج به این هستند که به آنها سرکشی بشود، به آنها سرکشی کنید» (امام‌خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۴: ۱۵۸).

ایشان همچنین مسئله تقویت روانی آسیب‌دیدگان را در رابطه با مشارکت دست‌اندرکاران حوزه سلامت مدنظر داشتند. (امام‌خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۸: ۲۳۴). بنابراین، نه تنها بر حیث مادیات مشارکت عمومی نظر داشتند بلکه سعه نظرشان شامل مسائل روحی و روانی آسیب‌دیدگان نیز بوده است.

جدول شماره ۳: کدگذاری باز مقوله کاهش و مشارکت مردمی

کد	داده‌ها	مفاهیم	مقوله	ویژگی	ابعاد
B1	(صبح، ج ۱۵: ۲۴۲)	آموزه صبر برای آسیب‌دیدگان	کاهش و مشارکت مردمی	نقش فردی	اولویت اصلی
B2	(صبح، ج ۱۴: ۵۱)	توجه نمودن به آوارگان جنگ			
B3	(صبح، ج ۱۴: ۱۵۸)	عیادت مردم از آسیب‌دیدگان		نقش اجتماعی	اولویت فرعی
B4	(صبح، ج ۱۴: ۳۲۴)	بهداشت روانی برای آسیب‌دیدگان			
B5	(صبح، ج ۱۱: ۱۴۰)	آزمایش الهی برای کمک‌رسانان		نقش حاکمیت	اولویت فرعی
B6	(صبح، ج ۱۸: ۲۳۴)	تقویت روانی آسیب‌دیدگان			

### بررسی پارادایمی مقوله‌ی محوری کاهش آسیب و مشارکت مردمی

در میان مقولات، آنچه به‌عنوان علل اظهار می‌شوند، عبارتند از: الف) آگاهی‌بخشی عمومی در کاهش آسیب‌های برآمده از بحران؛ ب) تعلیم و ترویج آموزه‌های دینی در کاهش آسیب‌ها در راستای مشارکت عمومی مردم؛

قضایای زمینه‌ای خاص ایران اسلامی، عبارتند از: الف) توجه به بافت‌های سنتی و دینی آسیب‌دیدگان در آگاهی‌بخشی به ایشان با اولویت انذار و تبشیر فردی؛ ب) توجه به بافت‌های فرهنگی و قومیتی امداد‌رسانان در آگاهی‌بخشی به ایشان با اولویت تقویت ظرفیت‌های درونی و فردی؛ ج) توجه به جنبه‌های روحی و تقویت روانی آسیب‌دیدگان و باقی‌ماندگان از حوادث؛

فرضیه‌های شرایط میانجی با تاثیرگذاری منفی، عبارتند از: الف) غفلت حاکمیت از نقش تقویت آگاهی مردم در کاهش آسیب‌ها؛ ب) غفلت از آموزه‌های دینی و معنویت‌افزا نظیر صبر و استقامت از جنبه‌های نقش اجتماعی مردم؛

قضایای بیانگر راهبردها عبارتند از: الف) التزام دست‌اندرکاران حوزه سلامت به تقویت روانی آسیب‌دیدگان؛ ب) التزام حاکمیت به وظایف تبلیغی و ارشادی خود در زمینه‌سازی ارتقای آگاهی مردم به‌منظور کاهش آسیب‌های بحران‌ها؛ ج) توجه توده مردم و نخبگان جامعه به بهداشت روانی آسیب‌دیدگان؛

پیامدهای راهبردهای مزبور، عبارتند از: الف) کاهش آسیب‌ها در مواجهه با بحران‌ها با احیای آموزه‌های دینی مرتبط با مشارکت‌های مردمی؛ ب) تاکید بر اولویت آسیب‌های روانی بر اساس اصالت معنویت بر رویکردهای مادی‌گرایانه در جامعه اسلامی.

### مشارکت مردمی در راهبرد جبران خسارات

نظیر دیگر مولفه‌های مدیریت جامع بحران، در این راهبرد نیز موضوع مشارکت مردم برای بازسازی پس از بحران‌های طبیعی نظیر سیل و زلزله (امام‌خمینی، ۱۳۷۹، ج ۶: ۲۴۹) و همچنین بحران‌های غیرطبیعی نظیر جنگ تحمیلی در نزد امام<sup>(ع)</sup> مورد اهتمام است. این امر تا به آنجا اهمیت داشت که ایشان حضور بانوان و تمهیدات قیام در کارهای عمرانی در پشت جبهه جنگ را تاکید می‌فرمودند (امام‌خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۴: ۳۵۶). ایشان مردم را برای حل

مشکلات و خرابی‌ها به پیش قدم شدن دعوت می‌کردند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۶: ۴۱۹). البته این پیش قدم شدن همان‌طور که بارها بیان شد، باید از نظام خاصی بهره‌مند می‌بود تا نتیجه‌ی مطلوب حاصل شود؛ از این روی، مشارکت مردمی، همواره مستلزم نظارت دولت است (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱: ۱۱۶).

این نکته گفتنی است که مشارکت مردمی، هیچ کرانه‌ای را در نزد امام<sup>(ع)</sup> نداشت و از این رهگذر، ایشان حضور خود آسیب‌دیدگان را در بازسازی‌ها امری ضروری می‌دانستند. نظیر اینکه کمک خود مهاجرین جنگ را برای بازسازی خواستار بودند: «شما مهاجرین عزیز جنگ تحمیلی، لحظه لحظه جنگ و سختی‌های آن را درک کرده‌اید. ان شاء الله، جمهوری اسلامی در آینده‌ای نه‌چندان دور شهرها و روستاهای شما را بهتر از قبل در اختیار شما خواهد گذاشت، ولی باید خود به کمک مسئولان آمده و در نوسازی و مهیاسازی شهر و روستاهایتان آنان را یاری نمایید» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲۱: ۳۲۶).

امام<sup>(ع)</sup> حدود کمی مشارکت را به مقدار سعه و توانایی افراد می‌دانستند. بنابراین، بیان می‌داشتند که هرکس به هر مقداری که می‌تواند، در جبران خسارات فعالیت کند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۶: ۲۴۹). این عدم توجه به کمیات از آن جهت است که حیث معنوی مشارکت مردم، موجبات پرورش روح تعاون در جامعه را فرامی‌آورد و تعاون معنوی و احساس برادری در نظرگاه امام خمینی<sup>(ع)</sup>، باورساز و زمینه‌ساز بازسازی است (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۱: ۲۸۴). ایشان همچنین با تأکید بر اصول وحدت‌بخش خود، همواره وحدت همه‌ی اقشار را برای سازندگی بیان می‌کردند (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۱: ۵۵).

سوالی که در خلال گفتار مزبور در ذهن خطور می‌کند، این است که مشارکت عمومی مردم در امر بازسازی و سازندگی به‌طور مستقیم با توجه به اینکه بازسازی و سازندگی موضوعی فنی و پیچیده است، چه توجیهی دارد؟

حضرت امام<sup>(ع)</sup> در رویکردی همه‌جانبه در پاسخ به این پرسش، بیان می‌دارند که هرچند حضور مستقیم مردم و مشارکت عمومی آنان از لحاظ فنی دست‌آورد ویژه‌ای نداشته باشد، لکن این کارکرد را دارد که موجبات قوت معنوی جامعه را فراهم می‌آورد (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۸: ۱۴۷).

ایشان همچنین بنابر ملازمه مشارکت عمومی با آموزه نظم، مردم را نیز به هماهنگی با دستگاه‌های ذریبط در امور بازسازی سفارش می‌کردند. در این رابطه می‌فرمایند: «حضرات و اقشار محترمی که آمادگی خود را برای بازسازی اعلام داشته‌اند، متوجه باشند که هماهنگی خود را با «شورای عالی بازسازی مناطق جنگی» که تحت نظر دولت جمهوری اسلامی فعالیت می‌کنند حفظ نموده و کمک‌های خود را چه از نظر مالی و چه از نظر مصالح و نیروهای انسانی با راهنمایی‌های شورای مزبور به انجام رسانند، تا به خواست خدای تعالی هر چه بهتر و سریعتر به هدف مقدس خود رسیده و از هدر رفتن نیروها و ناهماهنگی‌ها جلوگیری نمایند» (امام‌خمينی، ۱۳۷۹، ج ۱۶: ۲۸۴).

امام (ره)<sup>۲</sup> شورای عالی بازسازی مناطق جنگی را نیز به هماهنگی با روحانیون بومی توصیه می‌کردند (امام‌خمينی، ۱۳۷۹، ج ۱۶: ۳۱۰) و این از شبکه‌سازی ایشان در راستای برقراری ارتباط و هماهنگی دستگاه‌های دولتی و نخبگان جامعه و توده مردم حکایت دارد. بر این اساس، پیامدهای منفی توزیع ناعادلانه کمک‌های مردمی و ایجاد کشمکش‌های داخل اجتماع و همچنین، غیرهدفمند بودن و سردرگمی کمک‌رسانان (مورفی<sup>۱</sup> و دالن<sup>۲</sup>، ۱۳۸۲: ۲۵۱) به نحو چشمگیری کاهش می‌یابد.

جدول شماره ۴: کدگذاری باز مقوله جبران خسارات و مشارکت مردمی

کد	داده‌ها	مفاهیم	مقوله	مؤلفه‌ها	ابعاد
D1	(صح، ج ۲۱: ۳۲۶)	بازسازی بدست آسیب‌دیدگان	جبران خسارات و مشارکت مردمی	نقش فردی	اولویت فرعی
D2	(صح، ج ۶: ۲۴۹)	نگاه غیرکمی			
D3	(صح، ج ۱۶: ۳۱۰)	علمای بومی		نقش نخبگانی و اقشار جامعه	اولویت فرعی
D4	(صح، ج ۶: ۲۴۵)	وحدت اقشار			
D5	(صح، ج ۸: ۱۴۷)	مشارکت معنوی		نقش حاکمیت	اولویت اصلی
D6	(صح، ج ۱۴: ۳۵۶)	فعالیت بانوان			
D7	(صح، ج ۱۶: ۲۸۴)	هماهنگی مردم با دستگاه‌ها			
D8	(صح، ج ۲۱: ۱۱۶)	جبران خسارات با نظارت دولت			

### بررسی پارادایمی مقوله‌ی محوری جبران خسارات در مشارکت مردمی

در میان مقوله‌ها، آنچه بیانگر علل در قضایا است، عبارتند از: الف) ضرورت نظم در جبران خسارات در مواجهه با بحران‌ها؛ ب) ضرورت بهره‌وری از طیف گسترده‌ای از مشارکت‌های مردمی اعم از کمک‌های مادی و معنوی؛ قضایای بیانگر شرایط زمینه‌ای خاص جامعه ایرانی عبارتند از: الف) بهره‌مندی از ظرفیت‌های مردمی به خصوص بانوان در جبران خسارات با اولویت نقش حاکمیت؛ ب) پیش‌قدم شدن مردم در جبران خسارات به‌طور نظام‌مند و همراه با نظارت دولت جمهوری اسلامی ایران؛ ج) حضور خود آسیب‌دیدگان در روند جبران خسارات با اولویت‌سنجی حاکمیت؛

فرضیه‌های حاکی از شرایط میانجی با تاثیرگذاری منفی عبارتند از: الف) غفلت از تمام ظرفیت‌های اقشار جامعه به خصوص حوزه بانوان؛ ب) عدم توجه حاکمیت به سعه و توانایی آحاد مردم و نخبگان؛ ج) غفلت از جنبه‌های معنوی در جبران خسارات؛ در میان قضایا این راهبردها یافت می‌شود: الف) بهره‌مندی از مشارکت عمومی برای تسریع در جبران خسارات در مواجهه با بحران‌ها؛ ب) اجرای هماهنگ و منظم جریان مشارکت‌ها در ذیل نظارت دولتی؛ ج) شبکه‌سازی اجتماعی میان نخبگان و مردم و حاکمیت در جبران خسارات‌ها؛

پیامدهای راهبردهای مذکور، عبارتند از: الف) پرورش روح تعاون با تکیه بر اصالت معنویت و در نظرنگرفتن کمیت مشارکت‌های مردمی؛ ب) تاکید بر تعاون معنوی در جبران خسارات؛ ج) استمرار برادری و اتحاد و عدم اختلاف میان مردم و در نتیجه عدم نفوذ اجانب با هدف اخلال در امور کلان کشور به‌ویژه در زمان از هم گسیختگی‌های اجتماعی ناشی از بحران‌ها.

### نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در این پژوهش برآن بودیم تا با استفاده از یک روش استقرائی و کیفی در بیانات حضرت امام خمینی (ع) الگوی مشارکت عمومی در مدیریت و مهار بحران‌ها را دریابیم. در این رهگذر، با بیان برخی از اصطلاحات رایج در علم مدیریت بحران و توضیح آن، سعی برآن بود تا علاوه بر یافت زمینه‌ای تخصصی برای نمونه‌گیری و استقراء بیانات مزبور، از اندیشه و آرای نخبگان و متخصصان مدیریت بحران در جهت تقویت نتایج پژوهش و روایی خارجی بهره‌گیریم.

اکنون، با یکپارچه‌سازی مقولات محوری مزبور در مراحل چهارگانه مدیریت جامع بحران، اقدام به بیان آخرین مرحله پژوهش داده‌بنیاد یعنی کدگذاری انتخابی می‌کنیم.

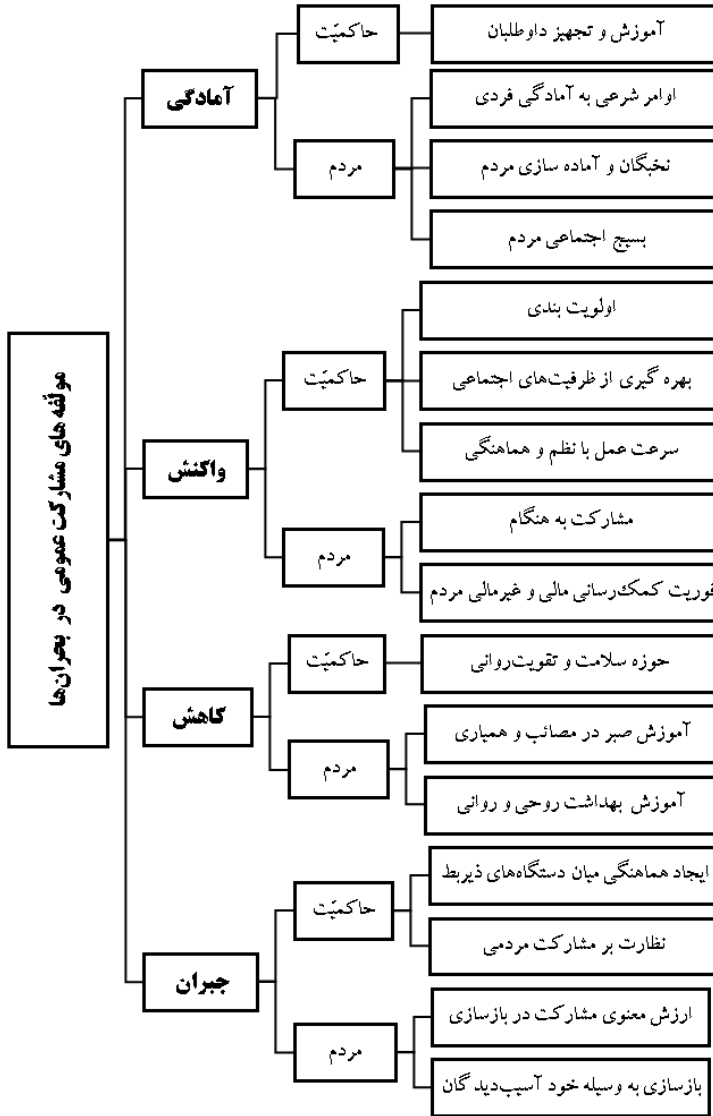
نتیجه آنکه در راهبرد آمادگی (جدول شماره ۱) حاکمیت نقش آموزش و تجهیز داوطلبان را عهده‌دار است و مردم از حیث فردی مکلف شرعی به آمادگی هستند و نخبگان جامعه آنان را در راستای مشارکت و بسیج مردمی آماده می‌کنند. در راهبرد واکنش (جدول شماره ۲) دستگاه حاکمیت اولویت‌بندی منابع و اهداف را بر عهده دارد و همچنین در جهت مقابله با بحران موظف به استفاده از ظرفیت‌های جامعه در مشارکت عمومی و همگام‌سازی سرعت عمل با نظم و هماهنگی است. مردم با مشارکت عمومی اعم از آسیب‌دیدگان و دیگران و فوریت کمک‌رسانی مالی و غیرمالی در راهبرد واکنش نقش به‌سزایی خواهند داشت.

در راهبرد کاهش (جدول شماره ۳) تمام راهبردها معطوف به مباحث آموزشی است. همان‌طور که بیان شد، حاکمیت عهده‌دار آموزش سازمان‌ها و ادارات تابعه نظیر مشارکت‌های عمومی حوزه‌ی سلامت در قالب سازمان هلال احمر و تعلیم راهکارهای تقویت روانی آسیب‌دیدگان به مشارکت‌کنندگان دولتی و نیمه‌دولتی است. مردم نیز با فراگیری پیشینی آموزه‌های دینی نظیر صبر بر مصائب و کیفیت مواجهه با ابتلائات و همچنین راهکارهای کاهش آلام آسیب‌دیدگان همچون عیادت و سرکشی به ایشان در این راهبرد فعالیت می‌کنند.

در نهایت پس از مشارکت عمومی در مراحل گذشته در مرحله واپسین یعنی جبران خسارات (جدول شماره ۴)، مردم با مشارکت خود آسیب‌دیدگان و کمک‌های مادی و معنوی عمومی در جهت بازسازی‌ها با هماهنگی و نظارت دستگاه حاکمیت در این راهبرد مشارکت می‌کنند.

در پایان می‌توان ویژگی‌های این الگوی بومی را که برآمده از بافت دینی است در ذیل برشمرد: الف) تاکید بر نقش نهادهای مرتبط با مشارکت عمومی و تفکیک وظایف هر کدام؛ ب) شبکه‌سازی اجتماعی میان نخبگان و آحاد مردم در جهت بهره‌وری بیشتر از مشارکت عمومی؛ ج) تاکید بر حضور خود آسیب‌دیدگان در مراحل گوناگون مدیریت بحران در راستای فعال‌سازی آنان؛ د) بهره‌گیری از آموزه‌های دینی با اهداف انگیزشی و تقویت روحانی برای افراد؛ ه) بهره‌گیری از آموزه‌های دینی و فرهنگی در جهت اعتلای معنوی

کلیت جامعه در یک بافت دینی؛ و) رویکرد جامع اعم از مادی و معنوی در مواجهه با بحران و اقدام بر اساس آن در مدیریت بحران؛ ز) کاربست آموزه‌های دینی مشترک جامعه در راستای یکپارچه‌سازی آموزش‌ها بر پایه مقبولات و مسلمات جامعه؛ ح) پیگیری مستمر و پویایی هرکدام از مردم و حاکمیت درباره‌ی پیشرفت اهداف؛



شکل ۱: الگوی راهبردی مشارکت مردمی در چهار مرحله مدیریت جامع بحران

## فهرست منابع و مآخذ

### الف. منابع فارسی

- خمینی، روح الله (۱۳۷۹)، **صحیفه امام (ره)**، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ..... (۱۳۹۲)، **استفتانات**، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ..... (۱۳۹۴)، **ولایت فقیه (حکومت اسلامی)**، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- حسینی، مازیار (۱۳۸۷)، **مدیریت بحران**، تهران: سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران.
- درابک، توماس و هواتمر، جرالد (۱۳۸۲)، **مدیریت بحران: اصول و راهنمای عملی برای دولتهای محلی**، تهران: مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۵)، **بیگانگی**، مانعی برای مشارکت و توسعه ملی: بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی و سیاسی، **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**، ۱(۱)، ۸۹-۱۱۰.
- مورفی، براندا و دالن، هالی (۱۳۸۲)، **مدیریت بحران و سرمایه اجتماعی**، ترجمه: حمیدرضا محمدی، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، ۳(۱۱)، ۲۴۳-۲۶۲.
- موسوی، میرطاهر (۱۳۸۵)، **مشارکت اجتماعی یکی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی**، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، ۶(۲۳)، ۶۷-۹۲.

### ب. منابع انگلیسی

- Barkaun M, (1974). **Disaster and the Millenium**, New Haven, Yale university press.
- Britton M, (1987). **Toward a Reconceptualization of Disaster for the Enhancement of Social Preparation**. In Dynes, de marchi and Pelanda, *Sociology of Disasters*, Milano, Franci Angeli.
- Bourdieu P, Wacquant L, (1992). **An Invitation to Reflexive Socioligy**, Chicago, university of Chicago Press.
- Canton, Lucien G. (2001). **Emergency Management: Concepts and Strategies for Effective Programs**, New Jersey, John Wiley Sons Inc, Hoboleen.
- Creswell, John W. (2005). **Educational Research: Planning, Conducting, and Evaluating Quantitative and Qualitative Research**, Boston, Pearson Education.
- Coleman J,(1994). **Foundations of SocialTheory**, Belknap press.
- Fagel, M J, (2014). **Crisis Management and Emergency Planning**, Florida, CRC Press, Taylor&Francis Group
- Glaser, B G, Strauss, A L, (1967). **the Discovery of the Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research**, New Brunswick and London, Aldin Transacion Publishers.



- Lee J, (2001). **A Grounded Theory: Integration and Internalization in ERP Adoption and Use**, Lincoln, ETD Collection for University of Nebraska.
- Lin N, (1999). **Building a Network Theory of Social Capital in Nam lin**, Karen Cook and Ronald S, Burt, Social ccapital, Theory and Research, New York, Aldine de Gruyter.
- Neuman, L, (1977). **Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approaches**, Boston Allyn and Bacon.
- Moore, T, (2008). **Disaster and Emergency Mangement**, London, UK BSI.
- Powell, R, (1999). **Recent Trends in Research: A mthodological Essay**, Library and Information Science, vol.21, Issue.1.
- Putnam R, (1993). **Making Democracy Work: Civic Tradition in Modern Italy**, Princeton, Princeton university press.
- Sousa, C A, Hendriks, P H, (2006). **The Need for Grounded Theory in Developing Aknowledge-Based View of Organization Methods**, Vol.9, Issue.3.

### علائم اختصاری

- صح: صحیفه امام (ره)
- ولا: ولایت فقیه
- اس: استفتانات

